

«بازاندیشی در مفهوم عمق استراتژیک؛ ضرورتی برای امنیت ملی»^۱

امنیت ملی از بنیادی‌ترین مفاهیم مطالعات راهبردی است که همواره متناسب با تحولات محیط بین‌المللی دچار دگرگونی شده است. اگر در گذشته، امنیت عمدتاً با حفاظت از تمامیت ارضی، دفع تهدیدات نظامی و دفاع از مرزهای جغرافیایی تعریف می‌شد، تحولات چند دهه اخیر نشان داده است که این برداشت، دیگر به تنهایی قادر به تبیین واقعیت‌های پیچیده محیط امنیتی نیست. گسترش جنگ‌های ترکیبی، توسعه فناوری‌های نوظهور، رقابت‌های ژئواکونومیک، جنگ‌های سایبری، عملیات شناختی و نقش روزافزون بازیگران غیردولتی، ماهیت تهدیدها و در نتیجه الزامات تأمین امنیت ملی را دگرگون ساخته است. در چنین شرایطی، بازاندیشی در مفاهیم بنیادین مطالعات امنیتی، به‌ویژه مفهوم عمق استراتژیک، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. عمق استراتژیک از جمله مفاهیمی است که در ادبیات کلاسیک مطالعات نظامی، عمدتاً با ویژگی‌های جغرافیایی و دفاع سرزمینی پیوند خورده است. در این رویکرد، برخورداری از وسعت سرزمینی، فاصله مراکز حیاتی از خطوط مقدم و وجود موانع طبیعی، مهم‌ترین عوامل ایجاد امنیت تلقی می‌شدند. (Harkavy, 2001) هرچند این مؤلفه‌ها همچنان بخشی از واقعیت امنیت ملی را تشکیل می‌دهند، اما تحولات محیط راهبردی نشان می‌دهد که عمق استراتژیک را دیگر نمی‌توان صرفاً بر پایه جغرافیا یا توان نظامی تبیین کرد. تجربه منازعات معاصر بیانگر آن است که تهدیدها الزاماً از مرزهای فیزیکی آغاز نمی‌شوند، بلکه می‌توانند از مسیر اقتصاد، فناوری، اطلاعات، فضای سایبری، افکار عمومی یا شبکه‌های مالی جهانی شکل گرفته و امنیت کشورها را تحت تأثیر قرار دهند.

بر این اساس، رابطه میان عمق استراتژیک و امنیت ملی نیز دستخوش تحول شده است. اگر در گذشته عمق استراتژیک عمدتاً به افزایش فاصله میان تهدید و مراکز حیاتی کشور تعبیر می‌شد، امروز این مفهوم بیش از هر چیز به توانایی دولت‌ها در مدیریت محیط امنیتی، افزایش تاب‌آوری ملی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدهای چندبعدی وابسته است. کشوری که از اقتصاد مقاوم، زیرساخت‌های فناورانه پیشرفته، ظرفیت علمی، سرمایه انسانی، انسجام اجتماعی، حکمرانی کارآمد و توان دفاعی متوازن برخوردار باشد، از عمق راهبردی بیشتری برای حفظ امنیت ملی بهره‌مند خواهد بود. بنابراین، امنیت ملی دیگر تنها محصول قدرت نظامی نیست، بلکه برآیند تعامل و هم‌افزایی مجموعه‌ای از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فناورانه، اجتماعی و دفاعی است. تحولات سال‌های اخیر نیز این واقعیت را به خوبی آشکار ساخته

۱. دکتر مجید دهقانیان، سردبیر نشریه



است. جنگ اوکراین، رقابت راهبردی میان ایالات متحده و چین، بحران‌های زنجیره تأمین، رقابت بر سر نیمه‌رساناها، انرژی و هوش مصنوعی، نشان داده‌اند که قدرت ملی تنها در میدان نبرد تعیین نمی‌شود. برای نمونه، اوکراین در عملیات تار عنکبوت با بهره‌گیری از ترکیبی از پهپادهای هوشمند، ریزپردازنده‌های پیشرفته، ارتباطات دیجیتال و فناوری‌های نوین فرماندهی و کنترل، توانست اهدافی را در عمق سرزمین روسیه مورد حمله قرار دهد. این رخداد نشان داد که در محیط راهبردی جدید، فناوری می‌تواند بخشی از محدودیت‌های جغرافیایی را جبران کرده و امکان اثرگذاری در عمق استراتژیک رقیب را فراهم سازد. از این رو، ظرفیت تولید و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، امروزه به یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت ملی و عمق استراتژیک تبدیل شده است (Friedman, 2020؛ Freedman, 2024).

نکته مهم دیگر آن است که عمق استراتژیک، مفهومی پویا است و همگام با تحول محیط امنیتی دچار تغییر می‌شود. در جهان کنونی، رقابت دولت‌ها بیش از گذشته در عرصه‌های علم، فناوری، اقتصاد، داده، هوش مصنوعی، فضا و حکمرانی دیجیتال جریان دارد. از این رو، کشورهایی که بتوانند این حوزه‌ها را در خدمت ارتقای قدرت ملی و امنیت خود قرار دهند، از عمق استراتژیک بیشتری برخوردار خواهند بود. در مقابل، وابستگی فناورانه، شکنندگی اقتصادی، ضعف در زیرساخت‌های حیاتی یا کاهش انسجام اجتماعی، می‌تواند حتی در غیاب تهدید نظامی مستقیم، امنیت ملی را با چالش‌های جدی مواجه سازد.

پژوهش‌های جدید نیز نشان می‌دهد که عمق استراتژیک، برخلاف برداشت‌های سنتی، مفهومی چندبعدی است و فهم آن مستلزم توجه هم‌زمان به مؤلفه‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه، فرهنگی و دفاعی است (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۴). این تحول مفهومی، بازتابی از تغییر ماهیت امنیت ملی در عصر حاضر است عصری که در آن، مزیت راهبردی کشورها بیش از آنکه به وسعت سرزمین یا حجم تجهیزات نظامی وابسته باشد، به قدرت علمی و فناورانه، ظرفیت نوآورانه در همه زمینه‌ها بستگی دارد. از این منظر، بازاندیشی در مفهوم عمق استراتژیک ضرورتی برای فهم دقیق‌تر امنیت ملی در محیط راهبردی نوین است. هر اندازه محیط بین‌المللی پیچیده‌تر و شبکه‌ای‌تر می‌شود، پیوند میان امنیت ملی و عمق استراتژیک نیز عمیق‌تر خواهد شد. در چنین شرایطی، تحلیل امنیت ملی بدون درک جامع از ابعاد نوین عمق استراتژیک، تصویری ناقص از واقعیت‌های راهبردی ارائه خواهد داد. از این رو، توسعه ادبیات علمی این حوزه و بازخوانی مستمر آن در پرتو تحولات نوظهور، یکی از الزامات پیشرفت مطالعات راهبردی و ارتقای کیفیت تحلیل‌های امنیتی در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود.

منبع برای مطالعه بیشتر:

دهقانیان، مجید، رومینا، ابراهیم، حافظ‌نیا، محمدرضا، قادری حاجت، مصطفی (۱۴۰۴). تبیین مؤلفه‌ها و ابعاد عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا. *فصلنامه روابط خارجی*. doi: 10.22034/fr.2025.476855.1579. ۹۸-۶۹. (۲)۱۷